

گزیده ای از سخنان استاد

حسین شیخ

در محفل

مرحوم استاد علی محمد حیدریان

مرحوم استاد محمد علی زاویه

و دکتر جواد حمیدی

○ کیهان فرهنگی: استاد شیخ شما هنرستان

کمال الملک را از کجا شروع کردید؟

● استاد شیخ: ما از زمان مرحوم کمال الملک

افتخار شاگردیشان را داشتیم.

○ شما چند سال پیش کمال الملک شاگردی کردید؟

● تقریباً ۶۵ سال استادی بنده را داشتند و من

سمت شاگردی داشتم و آقایان دیگر مثل آقای

صدیقی، مرحوم آشتیانی، جناب آقای حیدریان و

مرحوم وزیری همه بودند. ماشاءالله آنها همه بزرگ

بودند. بنده کوچکترین شاگرد مدرسه کمال الملک

بودم؛ خیلی کوچک بودم. از حیث سن از همه

شاگردها کوچکتر بودم.

○ فرمودید استاد صدیقی هم بودند؟

● بله، البته ایشان در قسمت مجسمه سازی

شروع به کار کردند و در مدرسه کمال الملک بهترین

مجسمه ساز بودند؛ حالا نمی دانم تهران هستند یا

نه.

○ بله تهران هستند.

● بنده اطلاعی ندارم؛ هیچ کدام با یکدیگر

ارتباطی نداریم.

○ بعد از مرحوم کمال الملک چه کسی در هنرستان

استاد بود؟

● بهترین استاد مجسمه سازی مدرسه

کمال الملک آقای صدیقی بودند که کارهایشان هم

هست و بعداً هم عده ای شاگرد تربیت کردند.

○ غیر از شخص مرحوم کمال الملک استاد نقاشی

دیگری هم بود؟

● در قسمت نقاشی، ما فقط از استاد

کمال الملک استفاده کردیم. کار کردیم تا اینکه

الحمدلله توانستیم آبروی ایشان را در این مملکت

حفظ کنیم. پایه هنر را ایشان گذاشتند. آن زمان

توسط حکیم الملک که وزیر معارف آن موقع بود

استاد کمال الملک را تشویق کردند و این جایی را که

الآن وزارت ارشاد است با تصویب مجلس برای

مدرسه به کمال الملک دادند.

○ تنها زمین آن را؟

● بله، یک عمارتی هم هست که مال زمان

محمد شاه است. حکیم الملک دوست صمیمی

کمال الملک بود و این بود که در مدرسه اسم خود

مرحوم حکیم الملک و مرحوم سردار اسعد را نوشته

بودند، چون سردار اسعد هم خیلی برای تأسیس این

مدرسه توصیه کرده بود.

○ در اولین و آخرین دوره چه اساتیدی بودند؟

● بنده جزو آخرین گروه از شاگردان کمال

الملک بودم؛ یعنی آقای وزیری و آشتیانی قبل از من

بودند. اولین دوره اینها بودند و آخرین دوره اش هم ما

بودیم، بعد مدرسه خیلی طول نکشید.

○ در آن مدرسه چه رشته هایی را درس می دادند؟ از

شیوه تدریس و مواد درسیشان هم بفرمایید.

● آقای کمال الملک خودشان به ما نقاشی درس

می دادند. بعد آقای صدیقی وارد رشته مجسمه سازی

مدرسه کوبیدند.

○ استاد، در تکنیک نقاشی کمال الملك قبل از مسافرت به خارج و بعد از این مسافرت يك اختلاف خیلی مشهود به چشم می خورد. حالا سؤال این است که با وجود این اختلاف تکنیکی که کاملاً عیان هم هست، چگونه در تعلیمات ایشان به شاگردانشان تأثیری به جای نمانده؟
● فرمودید چه اختلافی هست؟

○ يك اختلاف که البته با بررسی آثارشان مشهود است.

● حضورتان عرض کنم از زمان قدیم که ایشان شاگرد مرحوم مزین الدوله بودند، کار کلاسیک می کردند یعنی تقلید زیباییهای طبیعت از گل و میوه و دورنما، و تا آخر این کار را ادامه دادند. تالار آینه که الان در کاخ گلستان است و آن را در زمان ناصرالدین شاه ساختند، به همان شیوه کلاسیکی است که ایشان زحمت کشیدند و چند سال کار کردند. این اواخر هم در مدرسه به ما همان سبک کلاسیک قدیم را تعلیم می دادند. چه قبل از اروپا و چه بعد از آن، کار، کار کلاسیک بود و هیچ فرقی نکرد؛ کارهای بعدی هم مثل بغدادی و سماکی و چه و چه هم همین طور. چند تابلو هم که از اروپاییها کپی کردند، آنها هم همان کلاسیکی است که آنها پسندیدند، البته تغییری در سبکش ندادند.

○ عده ای معتقدند که استاد کمال الملك با مسافرتشان يك تحول نشأت گرفته از غرب و تکنیک غربی را وارد همان هنر طبیعت گرایي کردند که در آن موقع در ایران و در هنر مینیاتور هم کم و بیش وجود داشت یعنی حرکت به طرف طبیعت، و زیباییهای طبیعت را مستقیماً وارد کردن و رنگ چهره ها را به دست آوردن و سایه در چهره های مینیاتور در نظر گرفتن و از این قبیل. ولی در مورد تحولی که خدمت شما عرض شد، اعتقاد بر این است که استاد کمال الملك بعد از آن مسافرت و آشنایی با آن نوع طراحیها و تکنیک خاصی که آن موقع در غرب به وسیله رامبراند و افرادی که از کارهایشان کپی باقی مانده بود، يك



شدند و این رشته را در مدرسه کمال الملك احداث کردند. در آن موقع قسمت نقاشی بود و قسمت مجسمه سازی؛ البته شاگردها خودشان آبرنگ هم کار می کردند. استاد کمال الملك اصلاً رنگ روغن کار می کرد، اول سیاه قلم و طراحی و بعد هم شروع می کردند به رنگ روغن. پرسپکتیو هم درس می دادند.

○ دیگر مواد درسی آن مدرسه را به خاطر دارید؟

● البته، ایشان پرسپکتیو را خصوصی به ما درس می دادند، معلمی نبود که مثلاً برای تدریس این رشته از بیرون بیاید. پرسپکتیو را خودشان تدریس می کردند، می نشستند و ما هم دور ایشان می نشستیم.

○ استاد لطفاً اشاره ای بفرمایید به دوران بعد از مسافرت ایشان به خارج و کپی هایشان از آثار هنرمندان خارجی.

● وقتی ایشان به موزه لوور پاریس رفته بودند کارهایی مانند سماکی را با خودشان آوردند و توی

تحول عینی و قابل لمس در کارشان پدید آمد.

- آن طوری که بنده شاگرد ایشان بودم و کارهای قدیمشان را از زمان ناصر الدین شاه دیده ام همان طور کارهایی که بعداً کرده اند مثل سماکی و غیره که کپی کردند و تابلوهایی مثل زرگر بغدادی که خودشان از روی طبیعت کشیدند، تمام کلاسیک بوده، از اولش شیوه کلاسیک بوده و همان طور هم باقی مانده. بعد از رفتن ایشان به فرنگ هم تغییری حاصل نشده.

○ تالار آینه قبل از سفرشان به فرنگ بوده؟

● بله

○ در زمان مرحوم کمال الملک آیا در مدرسه کمال الملک مینیاتور هم تدریس می شد؟

- مینیاتور نبود.

○ وقتی به اصطلاح هنرستان کمال الملک به شما رسید، استادانش چه کسانی بودند و چه رشته هایی در آنجا تدریس می شد؟

- این هنرستان هم مینیاتور داشت، هم مجسمه سازی و هم نقاشی.

○ قبل از شما رئیسش چه کسی بود؟

- کسی نبود. فقط آنجا کلاسهای آشتیانی بود. مال اداره هنرهای زیبا بود ولی بنده از اول افتخار خدمت در هنرستان کمال الملک را داشتم. این را که بنده عرض می کنم مال زمانی است که جزو اداره هنرهای زیبا بوده است ولی این هنرستان کمال الملک مال اواخری است که بنده افتخارش را داشتم. در این هنرستان هم استاد زاویه و تجویدی قسمت مینیاتور را تدریس می کردند.

○ استاد شیخ، نظر شما در باره روش آموزش نقاشی چیست. با توجه به اینکه جناب عالی حداقل ۵۰ سال به دانشجویان یا علاقه مندان به نقاشی آموزش داده اید، بفرمایید نحوه این آموزش چگونه و به چه ترتیب بوده؟ یعنی به اینها گفته اید که از کجا شروع بکنند؟



استاد علی محمد حیدریان

البته باید به شاگرد ترکیبات رنگ را یاد بدهد، مخصوصاً آنها که استعداد دارند زود جلو می افتند.

○ عده ای از هنرمندان فکر می کنند که هرچه کارشان به مینیاتور، که فعلاً ما به اسم هنر ایرانی میشناسیم، نزدیکتر باشد ملی تر و خودی تر است و گریز از غرب در آن حاصل شده. در حالی که به اعتبار تقدم زمانی گفته می شود مینیاتور هم از چین آمده است.

● آثاری که هنر مندان با توجه به فرهنگ خودشان ساخته باشند چه مینیاتور، چه طبیعت، متعلق به خودشان است و خارجی نیست.



اسناد مختصالی زاویه

● بله از طراحی شروع می کنند.

○ طراحی از چی؟

● طراحی از روی طبیعت، مجسمه اشخاص

اعم از زن، مرد، پیر و جوان. از روی اینها طرح بکشند تا طراحیشان قوی بشود. وقتی طراحیشان قوی شد آن وقت رنگ شروع می شود.

○ چقدر باید طراحی کار کنند؟

● بعضیها يك سال، بعضیها شش ماه بستگی به استعداد شخص دارد. بعضیها استعدادشان زیاد است زودتر، و بعضیها دیرتر.

○ در این صورت آن ارتباطی که بین شاگرد و استاد به وجود می آید از چه طریق است؟ یعنی راهنمایی که می کنند به چه ترتیب انجام می شود تا شاگرد رشد بکند و انتقال احساس انجام بشود؟

● باید با همین زبان به او حالی کنند. معلم بلند

می شود و اصلاح می کند، چه طرح را و چه رنگ را.

کیهان فرهنگی. س. ۲، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۴).